**٧٤ - شؤُن تعلیم و تربیت و کودکستان و دبستان و مدارس بهائی**

و نیز از حضرت عبدالبهاء است . قوله العزیز : در کتاب الهی در این دور بدیع تعلیم و تربیت امر اجباری است نه اختیاری باید مکتب اطفال بنهایت انتظام باشد تعلیم و تعلّم محکم گردد و تهذیب و تعدیل اخلاق منتظم شود تا در صغر سن در حقیقت اطفال تأسیس الهی شود و بنیان رحمانی بنیاد کنند این مسألۀ تعلیم و تهذیب و تعدیل و تشویق و تحریص را بسیار مهم شمرند که از اسّ اساس الهی است که بلکه انشاء الله از دبستان‌های الهی اطفال نورانی با شرف کمالات انسانی مبعوث گردند و سبب نورانیّت ایران بلکه عموم امکان شوند تعلیم و تهذیب بعد از بلوغ بسیار دشوار شود تجربه شده است که نهایت سعی و کوشش را مینمایند تا خُلقی از اخلاق نفس را تبدیل کنند نمیشود اگر الیوم اندکی متنبّه گردد بعد از ایّامی معدود فراموش کند و بر حالتی که معتاد و خوی نموده راجع گردد پس باید از طفولیّت این اساس متین را بنهید زیرا تا شاخ تازه و تر است به کمال سهولت و آسانی مستقیم و راست گردد مقصود این است که اسّ اساس الهی اخلاق رحمانی است که زینت حقیقت انسانی است و علم و دانش است که سبب ترقّی عالم بشر است ... تعلیمات مکتب اطفال مفصّل است و حال فرصت میسّر نیست لهذا مختصر جزئی تعلیم مرقوم گردد اوّل تربیت به آداب و تربیت اخلاق و تعدیل صفات و تشویق بر اکتساب کمالات و تحریص بر تمسک بدین الله و ثبوت بر شریعت و اطاعت و انقیاد تامّ به حکومت عادله و صداقت و امانت به سریر سلطنت حاضره و خیر خواهی عموم اهل عالم و مهربانی با کلّ امم و تعلیم فنون مفیده و السن اجنبیّه و حسن سلوک و مداومت ادعیۀ خیریّه در حق ملوک و مملوک و اجتناب از قرائت کتب طوائف مادیۀ امم طبیعیّه و از حکایات و روایات عشقیه و تألیفات غرامیّه .

 و قوله الجمیل : در این دور بدیع اساس متین تمهید تعلیم و فنون و معارف است و به نص صریح باید جمیع اطفال بقدر لزوم تحصیل فنون نمایند لهذا باید در هر شهری و قریه ای مدارس و مکاتب تأسیس گردد و جمیع اطفال بقدر لزوم در تحصیل بکوشند لهذا هر نفسی که انفاقی درین مورد نماید شبهۀ نیست که مقبول درگاه احدیّت شود و مورد تحسین و تمجید ملأ اعلی گردد .

 و قوله الوحید : زیرا در این دور بدیع بعد از عرفان حق منیع اعظم فضائل عالم انسانی تحصیل علوم و فنون مادی و ادبی است لهذا باید احبای الهی در تحصیل سعی بلیغ نمایند ولی اسّ اعظم تحصیل اخلاق است .

 و قوله المحمود :

**هو الله**

ای ساعی در نشر نفحات الله ترویج معارف و تعمیم تعالیم و نشر علوم نافعه و تشویق بر اطّلاع اسرار خلیقه و کشف رموز مودوعه و حقایق کونیّه و تحصیل علومات مفیده و وقوف بر حقائق خفیّۀ ارضیّه و وصول باعلی مدارج اسرار فلکیّه از روابط کلیۀ ضروریۀ عالم انسانی است بلکه از اعظم وسائل نجاح و فلاح است و در دین الهی نهایت تشویق و تحریص مذکور و منصوص است و در جمیع الواح مثبوت و مسطور و هیچ عملی مقبولتر و ممدوحتر ازین رتبه نه هل یستوی الّذین یعلمون و الّذین لا یعلمون باری خبر ترتیب مکتب مخصوص به جهت نورسیدگان محبّت الله سبب حصول روح و ریحان گردید از الطاف خفیۀ حضرت احدیّت امیدواریم که اطفال احبّای الهی درین دبستان در جمیع شؤون تربیت شوند یعنی تربیت الهیه اوّل در عقاید ربّانیّه و ایمان و ایقان و دلائل کلیّه و حجج بالغه بر حقیّت امر الله و این بغایت سهولت تعلیم گردیده شود مثلاً معلم هر روز یک مسئله ازین مسائل الهیه را در بین اطفال طرح نماید که بهم مذاکره نمایند خود اطفال به نهایت شوق آیند در مدّت قلیله طفل صغیر استدلال بآیه و حدیث نماید و رتبةء ثانیه تعلیم آداب و اخلاق و حسن اطوار و حسن اعمال و افعال و قرائت و کتابت و جبر و حساب و هندسه و لسان و تاریح و جغرافیا و سائر علوم مفیده ، باری بسیار سرور حاصل که شما مؤیّد بر این شدید البته نهایت همت را بگمارید که این قضیّه خدمت امر است بلکه به نیّت خالصۀ احبّای الهی اسبابی فراهم آید که در اندک زمانی ابنای احباب تربیت شوند و جوانان هوشمند دانشمند منجذب مشتعل مبعوث شوند و به بیانی فصیح و لسانی بلیغ و اطّلاعی کامل مؤیّد بر تبلیغ امر الله گردند اطفال احباب در سایر مکتب‌های ملل مختلفه فرستادن و تربیت نمودن سبب جمودت و خمودت گردد و البهاء علیک و علی کلّ ثابتٍ راسخٍ علی عهد الله و میثاقه . عبدالبهاء عباس

 و قوله المتین : به تربیت بنات و اطفال پردازند تا امّهات از صغر سن اولاد را به تربیت تام تربیت نمایند و حسن اخلاق بیاموزند و به فضائل عالم انسانی دلالت کنند و از صدور حرکات مذمومه منع کنند و در آغوش تربیت بهائی پرورش دهند تا آنکه طفلان نورسیده از ثدی معرفة اللّه و محبة اللّه شیر بنوشند و نشو و نما نمایند و حسن سلوک و علوّ فطرت و همت و عزم و جزم در امور و استقامت در کار و علویّت افکار و حبّ ترقی و بلندی همت و عفت و عصمت بیاموزند در هر کاری که شروع نمایند از عهده برآیند ای مادران مهربان این را بدانید که در نزد یزدان اعظم پرستش و عبادت تربیت کودکان است به آداب کمال انسانیّت و ثوابی اعظم از این تصوّر نتوان نمود تا تربیت بدرجۀ رسد که قطع حلقوم گواراتر از کذب مشؤوم شود و زخم سیف و سنان آسان‌تر از غضب و بهتان .

 و قوله الرّفیع : پس امّهات باید طفلان خوردسال را مانند نهالهائیکه باغبان می‌پرورد پرورش دهند شب و روز بکوشند که در اطفال ایمان و ایقان و خشیت رحمان و محبّت دلبر آفاق و فضائل اخلاق و حسن صفات تأسیس یابد مادر اگر از طفل حرکت ممدوحی بیند ستایش نماید و تحسین نماید و تطییب خاطر طفل کند و اگر ادنی حرکت بی‌فائده صدور یابد طفل را نصیحت کند و عتاب نماید و به وسائط معقوله حتّی زجر لسانی جزئی اگر لازم باشد مجری دارد ولی ضرب و شتم ابداً جائز نیست زیرا به کلی اخلاق اطفال از ضرب و شتم مذموم گردد

و قوله العزیز : تربیت بر سه قسم است تربیت جسمانی تربیت انسانی و تربیت روحانی اما تربیت جسمانی به جهت نشو و نمای این جسم است و آن تسهیل معیشت و تحصیل اسباب راحت و رفاهیّت است که حیوان با انسان در آن مشترک‌اند و اما تربیت انسانی عبارت از مدنیّت است و ترقی یعنی سیاست و انتظام و سعادت و تجارت و صنعت و علوم و فنون و اکتشافات عظیمه و مشروعات جسمیه که مدار امتیاز انسان از حیوانات است و اما تربیت الهیه تربیت ملکوتی است و آن اکتساب کمالات الهیه است و تربیت حقیقی آن است زیرا در این مقام انسان مرکز سنوحات رحمانیه گردد و مظهر لنعملّن انساناً علی صورتنا و مثالنا شود و آن نتیجه عالم انسانی است .

 و در رساله مدنیه قوله القویم : شرف و مزیّت اخلاف بر اسلاف در این است که اموری که در زمان سابق به محک تجربه رسیده و فوائد عظیمه‌اش ثابت گشته اخلاف آنرا از اسلاف اقتباس نمایند و تأسّی بایشان کنند و از آن گذشته قضایای دیگر را خود کشف کرده آنرا نیز ضمیمۀ امور مفیده نمایند .

 و قوله الکریم : اطفال را از صغر سن نوعی تربیت نمایند که بی‌نهایت به حیوان رؤوف و مهربان باشند اگر حیوانی مریض است در علاج او کوشند اگر گرسنه است اطعام نمایند اگر تشنه است سیراب کنند اگر خسته است در راحتش بکوشند .

 و قوله المنیر : اطفال از پنج سالگی باید در تحت تربیت داخل شوند یعنی روزها در محلّی که مربّیان هستند محافظه شوند و ادب آموزند و به تحصیل بعضی حروف و کلمات و قرائت مختصر بعنوان بازی تعلیم شوند چنانکه در بعضی بلاد حروف و کلمات را از شیرینی ساخته به طفل میدهند اطفال زود حروف‌ها را یاد میگیرند و نیز باید در مدارس ابتدا به تعلیم دین کرد و بعد از تعلیم دیانت و انعقاد قلوب اطفال بر محبت حضرت احدیّت به تعلیم سائر علوم پرداخت .

 و در سفرنامه اروپا در جواب سؤال از ضرب اطفال شریر است قوله الحنون : ضرب برای حیوان هم جائز نه حسن تربیت حیوان را در تحت تعلیم در آرد شاخ کج را راست و خارستان را گلستان نماید عرب‌ها در وقت تربیت اسب را نمیزنند میگویند از زدن ، اسب بدرفتار و سرکش میشود .

و قوله اللّطیف : اما در وقت خواب اطفال ، امّهات باید غزلیّات جمالمبارک را بخوانند تا از سن طفولیت این اطفال به آیات هُدی تربیت شوند .

و در خطابی قوله الحمید : طفل بهائی باید در مدرسۀ بهائی تربیت شود نه مدارس دیگران بلکه اطفال ملل سائره باید در مدارس بهائی به نهایت رعایت و حسن رفتار و مواظبت تعلیم و تربیت شوند ... و اطفال هر ملتی که بی‌بضاعت‌اند باید مجاناً و رایگان در این مدرسه داخل شوند و نهایت التفات و مراعات مشاهده کنند این قضیّه قدری مشکل است چرا همتی عظیم باید ولی عون و عنایت الهی نیز عظیم است چرا امیدواریم که مؤیّد و موفق گردند .

و قوله الشّفیق : اطفال احبّاء ابداً جائز نیست که به مکتبهای دیگران بروند چه که ذلّت امر الله است و به کلی از الطاف جمالمبارک محروم مانند زیرا تربیت دیگر شوند و سبب رسوائی بهائیان گردند

و قوله الدّقیق : در خصوص بنات احباب مرقوم نموده بودی که بمدرسۀ ملل سائره میروند فی الحقیقه این اطفال هر چند در آن مدارس اندک تعلیمی میگیرند ولکن اخلاق معلّمات را در اطفال تاثیری و از القاء شبهات قلوب بنات را تغییر و تبدیلی باید احبّای الهی مدرسۀ از برای بنات تهیه و تدارک نمایند که معلّمات ، بنات را بتربیت الهیه تربیت نمایند اخلاق ربّانی بیاموزند اطوار رحمانی تعلیم کنند .

و در خطاب به آقا مهدی و آقا حبیب الله در همدان قوله الرّفیع : این ایام در جمیع بلدان نفحه کریهه دهریان وزیده باید نفوس را علی الخصوص اطفال و جوانان را در صون هدایت الهیّه محفوظ و مصون نمود زیرا رائحه کریهه البته مشام را معذّب نماید و وجود را کسالت آرد و هر قدر بنیه قوی باشد لابد ضرر و فتور حاصل گردد .

و در سفرنانۀ امریکا است قوله الجلیل : درین گونه مدارس چون تنها درس مادیات و حکمت طبیعی خوانده میشود لهذا نفوس نحریری که ذی فنون باشند پیدا نمیشود هر وقت حکمت الهی و طبیعی هر دو خوانده شود نفوس و ترقّیات عظیمه حاصل گردد سبب ترقیات مدارس یونان همین بود که حکمت الهی و طبیعی هر دو تعلیم میدادند .

و در خطاب به محفل روحانی اصفهان قوله البلیغ : تربیت اطفال ذکور و اناث از اعظم اسّ امر بدیع و نباء عظیم بر پدر و مادر بلکه خویش و اقرباء بنصّ شریعة الله فرض و واجب است که طفل را تربیت و تعلیم قرائت و تحریر نمایند اگر آنان را قدرتی نه این تکلیف بر گردن بیت العدل است هر وقت که من بعد تشکیل گردد باید مجری دارد و این ایام تکلیف بر محفل روحانی فرض و واجب است لذا تا توانید بکوشید تا اطفال را ذکور و اناث در مکتب در نهایت انتظام تربیت دهید بلکه انشاء الله احتیاج به مکتبهای دیگر نماند .